

راهنمای مشاوران مسیحی
فصل سی و پنجم

**Christian Counselors
Manual**

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی

پیشگفتار مترجم

جزوه ای که در دست دارید، ترجمه فصل سی و پنجم "راهنمای مشاوران مسیحی" است. این کتاب کلاً شامل چهار فصل می باشد و انتشار تمام کتاب در این مکان امکان پذیر نیست. به ناچار فصل های این کتاب بصورت جداگانه انتشار یافته اند. دعای من این است که ایمانداران فارسی زبان از طریق این کتاب از جنبه عملی کتاب مقدس بهر مند شوند تا کلیسای فارسی زبان عیسی مسیح نهایت فیض و رحمت خدا را به دست آورد.

شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "متقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است.

شاهرخ صفوی

فصل سی و پنجم رفع مسائل جنسی

در زندگی زناشویی

امکان آنکه مسائل جنسی جنبه جسمانی داشته باشند کم است. در تقریباً تمام موارد، اگر مسئله جسمانی وجود داشته باشد، طبیب یقیناً متوجه آن شده و یا خواهد شد. در دفعاتی که ما در دفتر مشاوره مسیحی خود با مسئله جنسی روبرو شده ایم، طبیب پس از معاینه تشخیص داد که دلیل جسمانی وجود ندارد.

متقاضیان اکثراً مسئله جنسی خود را مسئله اصلی می شمارند در صورتی که این گونه مسائل، از مسائل دیگری انشعاب یافته که به اصطلاح پشت پرده می باشند^(۱).

مسائلی که از شکسته شدن ارتباط با هم بوجود آمده معمولاً در جلسات اولیه مشاوره فاش می گردند. و این مسائل معمولاً یک مورد، یا ترکیبی از این موارد را دارند: ترس^(۲)، خشم و تنفر^(۳)، نگرانی، تقصیر، حسادت و شکاکی، و خستگی^(۴).

سوالات اولیه را باید مربوط به خشم و تنفر اختصاص داد، چون آنها معمولاً زیر بنای مسئله جنسی را تشکیل می دهند. برای رسیدگی به مسائل خشم و تنفر، مشاوران می توانند به بحث "چگونه بر خشم غلبه کنیم" رجوع کنند^(۵).

وقتی مشاوران راجع به روابط جنسی صحبت می کنند، باید وقت کافی برای صحبت از اصول اساسی روابط جنسی در کلام خدا نیز بگذارند. پایه این اصول را در فصل ۷ از اول قرنیتان می بینیم.

اصول کلام خدا راجع به روابط جنسی

در کلام خدا تعدادی از این اصول مشخص شده اند:

۱. روابط جنسی در ازدواج خوب و مقدسند. خدا این روابط را تشویق می کند، و به پرهیز از آن هشدار می دهد.
۲. بدن هر یک از طرفین تعلق به دیگری دارد. به غزل غزلها و امثال ۵: ۱۸ و ۱۹ رجوع کنید. کیف و لذت از روابط جنسی نه تنها گناه نیست، بلکه فرض بر وجود آن شده است.
۳. این کیف و لذت نیز نباید بر اساس نیاز های خود باشد (خود محوری)، بلکه بر اساس نیاز های دیگری باشد (بگونه ای که لذت شوهر از جاب زنش به او می رسد. لذت را خود حس می کند، ولی زن او است که به او می دهد). هر گونه همجنس بازی یا جلق، مخالف این اصل می باشد. موضوع در این خلاصه می شود: "دادن از گرفتن فرخنده تر است."^۶
۴. روابط جنسی لازم است مرتب و مدام بر قرار باشد. در خصوص دفعات البته صحبتی نشده، اما اساس یاد شده این است که هر یک از طرفین باید غریزه جنسی دیگری را ارضاع کند، تا "آتش شهوت"، یا وسوسه، به او سرایت نکند.

۵. اصل در یافت لذت و ارضاع جنسی در این است که هر یک از طرفین باید روابط جنسی را به دفعاتی که دیگری می خواهد، برآورده کند (که حق او است). اما البته، اصول دیگری نیز حاکمند، مانند: اعتدال، کوشش در برآورد مسرت دیگری، و غیره. ملاحظه زوج باید اولویت بر درخواست روابط جنسی داشته باشد. اما از جانب دیگر، این نباید بهانه برای فراهم نساختن نیازهای حقیقی استفاده گردد.
۶. در رابطه با اصل "حق و حقوق طرفین ازدواج"، هیچگونه شرط و معامله ای برای شرکت در روابط جنسی، جایز نیست؛ "تا این کار را نکنی، با تو نمی خوابم". هیچ یک از طرفین حق چنین معامله ای را ندارد.
۷. روابط جنسی میان طرفین ازدواج، یکسان و متقابل است (۶). پولس به مرد، حق بیشتری را نداده. نتیجتاً واضح است که تحریک دیگری در آغاز روابط، اولویت دارد. به معنی که هر یک از طرفین که می خواهد رابطه برقرار شود، باید دیگری را تحریک کند و اگر طرف مقابل نخواهد، نباید با زور ادامه دهد.

در جلسه مشاوره می توان از این اصول بعنوان پایه (مبنی)، برای حل انواع مختلفی از مسئله استفاده کرد.

روش های عمومی مشاوره

با استفاده از اصول کلام خدا مربوط به روابط جنسی، لازم است برنامه ای برای حل یکایک مواردی که زیر بنای آن را ایجاد کرده فراهم نمود، و برنامه ها را مورد استفاده قرار داد. یک نمونه از روش عمومی استفاده شده این است:

۱. مواردی که باعث کش مکش شده اند یا مانعی را ایجاد کرده اند را باید تفحص کرده و افشا نمود. مشاور می تواند ابتدا با ایجاد "جلسات مشاوره خانگی" (۷) ترتیب فراهم ساختن فهرستی از مسائل و مشکلات را بدست آورد. سؤالات اولیه ممکن است جامع و پهناور باشند. وقتی نکات خطرناک پیدا شدند، هر یک را باید تفحص نمود.
۲. ادامه این تفحص معمولاً، خود مسائل روابط جنسی را بدون نیاز به کار بیشتر، حل می کند، و تغییر انجام شده بخاطر رابطه بهتر میان فردی شان ایجاد می باشد. این تغییر ممکن است در همان جلسات اولیه صورت گیرد، حتی قبل از آنکه تغییرات اساسی در میانشان صورت گرفته باشند. دلیل آن نیز این است که طرفین باطناً شاید می خواهند روابط جنسی مجدداً برقرار شود. در مواردی که آن صدق می کند (و عموماً نیز همینطور است)، تشویق کمی لازم خواهد بود. علاوه بر این، مقدار امیدی که از تغییر روابط و جهت تازه ازدواج بدست آمده، خود امکان ایجاد تمام تغییرات لازمه را، برای برقراری مجدد روابط جسمی فراهم می کند. اما، وقتی چنین تغییر سریعی رخ می دهد، مشاور باید امکان رضایت از پیشرفت کمی که متقاضی بدست آورده را مد نظر بگیرد. در این خصوص باید به متقاضی تذکر داد، که دلیل حل شدن ساده مسئله روابط جنسیشان، تنها به خاطر آنکه مسئله اصلی در میانشان نبوده. فرق میان روابط جنسی و روابط میان فردی باید تمیز داده شوند. مشاور لازم است متقاضیان را یاد آور سازد که رابطه جنسی را نمی توان در تخت خوابی که پر از مشکلات است بجای آورد. عکس آنچه پولس در افسسیان ۴: ۲۶ گفته (".... مگذارید روزتان در خشم به سر رسد") را انجام داده، و مسائل روزانه خود را وارد تخت خواب کرده اند. وقتی شروع به حل کردن

تعدادی از این مسائل شدند (از طریق اعتراف و بخشش)، و مجرای ارتباط میانشان باز شد، و قبل از خواب از نبودن مسئله ای اطمینان حاصل کردند، امکان ایجاد مجدد روابط جنسی برقرار می شود.

۳. باید تذکر داد که تمام رابطه ای که با یکدیگر دارند، در روابط جنسی میانشان خلاصه می شود. در نتیجه به ترکیب رابطه هر موردی باید اهمیت لازم را داد. به این خاطر، مشاور باید اصولی را که مربوط به روابط جنسی می باشد (اول قرنطیان ۷) روشن کرده، و و اگر ارتباطی با وضعیت خاص طرفین دارد مورد اجرا قرار دهد. به دلیل وجود گناهای چون: خودخواهی، غرور، شهوت، و غیره، رفتار های گناه آلودی در روابط جنسی ممکن است ترکیب یافته، و لازم است به هر مورد بطور خاص رسیدگی کرد. زمانی که اساس روابط میان زن و شوهر تغییر یافت و شکل کتاب مقدسی را به خود گرفت، آماده دریافت کمک در مسائل جنسی ویژه خود خواهند بود.

۴. در خاتمه، مشاور خواهد توانست نشان دهد که اشکال در کجا است، چه باعث حل آن شده، و چه باید بکنند که در آینده چنین مشکلاتی برایشان ایجاد نگردد.

انواع مسائل جنسی خواصی بدست مشاور خواهند آمد، و اینجا ممکن نیست راجع به همه صحبت کرد. دو نمونه داده شده فوق بخاطر آن است تا بتوان اصول و رویه کار را از آن ها استنتاج نمود.

احساس تقصیر از گناه

معمولاً روابط جنسی بخاطر بی بند و باری جنسی قبل از ازدواج، یا در طول آن خراب می شود، و یا هیچ وقت انجام نمی گیرند. جواب خدا به تمام این ها، اعتراف و آشتی است که شامل روابط تازه ای میان طرفین می باشد. ابتدا رابطه با خدا، و سپس با یار زندگی باید برقرار شود. نمونه زیر نشان می دهد چه کار باید کرد.

مینا و صادق هر دو، رابطه نامشروعی را قبل از ازدواج و بعد از آن داشتند. وقتی ازدواج کردند، هیچ کدام مسیحی نبودند. اما پس از هجده سال ازدواج، هر دو به مسیح ایمان آورده بودند. صادق در طول سال گذشته با زن دیگری رابطه داشت. او نمی خواست از آن زن جدا شود. مینا از موضوع باخبر شده بود و از صادق قول گرفت رابطه را قطع کند. او قبول کرد؛ اما انجام نداد. در طول آن یک سال، زندگی دو گانه او همراه قولی که داده بود، او را رنج می داد. و هر چه ایمان مسیحی او تقویت می شد، احساس تقصیر او بیشتر می شد. چکار می توانست بکند؟

او روی به مشاوره مسیحی آورد. ابتدا به حوای رسیدگی به مسئله پسرش وارد شد، اما در همان جلسه اول مشخص شد که در حقیقت به چه دلیل مراجعه کرده است. مشاور گفت، "صادق خان، شما باید از گناهتان توبه کنید و از آن زن جدا شوید. اگر می خواهید ازدواجتان را نجات دهید، لازم خواهد بود به زنتان اعتراف کنید. باید بگوئید که به او دروغ گفته اید و آن زن را در کنار ازدواج خود نگاه داشته اید. باید طالب بخشش او بشوید، و به او اطمینان بدهید که این بار به قول خود وفا خواهید کرد، و از او نیز بخواهید در این زمینه به شما کمک کند." صادق گفت، "من نمی توانم".

مشاور در جواب گفت، "ما نمی توانیم به شما کمک کنیم اگر این کار را نکنید".

پس از صحبت راجع به احکام خدا و فیض او، صادق راضی شد: "باشه من این کار را خواهم کرد." در همان جلسه صادق به خدا دعا کرد و از او کمک خواست، و مشاور برای نتیجه ای که

بدست خواهد آمد دعا کرد. صادق همان بعد از ظهر تقاضای دیدار مجددی را با مشاور کرد، و این بار مینا را نیز با خود آورد.

در جلسه دوم، صادق حقیقت را به مینا گفت. او به دروغ گفتن خود اعتراف کرد، و گفت در همین حال کلید منزل آن زن را در جیب دارم. مینا دلشکسته ماند، با وجود آنکه خوش حال بود که حقیقت را از صادق می شنود (احتمالاً وجود مشاور در جلسه به آرامش او کمک می کرد چون می دانست به مسئله رسیدگی خواهد شد). مینا گفت، ”پس چکار کنیم؟“. صادق گفت ”من می خواهم مرا ببخشی و به من کمک کنی آن شوهر مسیحی که بایست باشم، بشوم“. مینا در جواب گفت، ”من تو را می بخشم، اگر واقعاً حقیقت را می گوئی و اگر واقعاً می خواهی ازدواجمان را نجات بدهی“. صادق گفت بله، و بنظر می آمد که دوباره عهد ازدواج را می خواند. در نتیجه مینا صادق را بخشید، و علاوه بر این به رفتار های گناه آلودی که با او کرده بود اعتراف کرد و او نیز بخشش صادق را دریافت نمود. در همان جلسه تصمیم گرفته شد که او تلفن به آن زن خواهد کرد و رابطه را با او قطع خواهد نمود.

هفته بعد هر دو دوباره به مشاوره رجوع کردند. در طول هفته صحبت از کلید منزل آن زن که در دست صادق بود کرده بودند، ولی نمی دانستند با آن چکار کنند. آیا لازم بود صادق کلید را شخصاً به او بازگرداند؟ یا آن ها را بدور بیاندازد؟ هر دو معتقد بودند که باید از کلید، بعنوان خاتمه رابطه با آن زن استفاده شود، ولی نمی توانستند تصمیم بگیرند. مشاور گفت، ”صادق خان کلید را بمن بدهید“. پس از دریافت، آن را وارد پرونده مشاوره آنها کرد و گفت، ”این کلید همراه بقیه اطلاعات مربوط به شما دور از چشم دیگران در این پرونده نگاه داشته خواهد شد. این بعنوان نشانه سر سپردگی صادق خان به مینا خواهد بود“. اگر در آینده مورد متشابهی پیش آید، از آن بعنوان یاد آور موفقیتی که حاصل شد، استفاده خواهد شد. این کلید نشانه اختصاصی زندگی زناشوییشان بود؛ مانند سنگ هائی که قدیمیان بعنوان یادآور برکت روحانی، در راه روی هم بنا می کردند(۸).

بعضی مواقع در خصوص این راه حل کلام خدا اعتراض می شود که ”چرا باید حقیقت را بگویم؟ مگر کافی نیست که خود تصمیم را گرفته ام؟ مگر گفتن چنین موضوعی مسئله را مشکلتر نمی کند؟ تقصیر با من است و تنها من باید جور آن را بکشم“(۹). این اعتراض ممکن است بخاطر ترس از نتیجه آن باشد یا اعتقاد اشتباهی که دارد سرچشمه بگیرد. اما به هر صورت در رابطه با مسئله انگیزه مهم نیست؛ اعتراض است که باید به آن رسیدگی شود. بطوری که امثال می فرماید:

امثال ۲۸

۱۳: هر که گناه خود را بپوشاند، کامیاب نخواهد شد، اما هر که آن را اعتراف کند و ترک نماید، رحمت خواهد یافت.

اگر بخواید از مسئله فرار کند، نهایتاً خود کمک کرده اند تا مسئله موجود کماکان به تخریب زندگی زناشوییش ادامه دهد. از تاثیری که تقصیر بر روابط می گذارد نمی توان دوری کرد. ترس از فاش شدن حقیقت، و سپس اضطراب وجدان از صدمه به یار زندگی، در نهایت انسان را از پای در می آورد. مشاور به متقاضی باید بگوید:

”شما نمی توانید از موضوع فرار کنید چون مانند قبل از ازدواجتان دیگر دو نفر نیستید. خدا شما را یکتا کرده. شما بقدری صمیمانه با هم اتصال یافته اید که نمی توانید مسئله بزرگی را به تنهایی حل کنید، چه رسد به مسئله ای که در دست دارید؛

شما در همه چیز شریک هستید. زمانی که دو نفر پای به زندگی مشترک ازدواج می گذارند، تغییر می کنند، و روابطشان زیان خواهد دید اگر بر حقیقت استوار نباشد:

افسیان ۴

۲۵: پس، از دروغ روی برتافته، هر یک با همسایه خود، سخن به راستی گوید، چرا که ما همه، اعضای یکدیگریم.

تقصیری که یکی از طرفین به دوش دارد بالاخره باعث حس دیگری خواهد شد. تقصیر بالاخره خود را افشا خواهد کرد. چون ازدواج (یکتن شدن) هر چه پنهان است را روی می کند. وقت است که زمان آن را تعیین می کند، و اگر در زمان آن از قصد دست برده شود، نتایجی که شیطان در نظر دارد ایجاد خواهد شد. شما نمی توانید تنها به مسئله بپردازید.

وقتی مردی مسیحی با مسئولیت رسیدگی به زنای خود روبرو شد، اعتراض کرد که، ”نه! نه! روانشناسی بمن گفت که این بدترین کاری است که می توانی انجام دهی“. پس از مشاوره لازم قبول کرد که راه خدا بهتر است، و او همراه زنش به جلسه آمدند و او حقیقت را به زنش گفت. پس از شک اولیه، زن او گفت ”آنچه مرا امیدوار می کند اعتراف او است. اگر من خود متوجه آن شده بودم، دلیلی نبود باور داشته باشم که از این بابت متاسف است و می خواهد آن را از میان بردارد“.

سؤال این نیست که آیا باید حقیقت گفته شود، بلکه چگونه باید گفته شود. بخشش و آشتی است که باید مد نظر باشد. خدا می خواهد رابطه میان طرفین حد عقل به حالت اولیه خود باز گردد. بخشش داده شده باید اصیل باشد؛ باید طوری به آن نگریست که عهده است که هیچ وقت راجع به گناه انجام شده صحبت نخواهد کرد. تنها زمانی که موضوع فاش گردیده است که روابط می تواند دوباره برقرار بشود. تنها به این صورت رابطه می تواند به حالت اولیه خود برگردد. علاوه بر این، صرف نظر از اعتراف و آشتی، هر مسئله و مشکلی که باعث چنین گناهی شده، تنها زمانی قابل حل است که هر دو طرفین بتوانند رُک و راست با هم صحبت کنند. معمولاً تلخی وقایع است که مردم را مجبور به رسیدگی به آن ها می کند:

امثال ۲۰

۳۰: ضربات مجروح کننده، شرارت را می ساید، و کتک، اعماق وجود را پاک می کند.

ناآگاهی در روابط جنسی

مشاور مسیحی تا چه حد باید از جوانب عملی روابط جنسی صحبت کند؟ جواب مشکل است. از جایی که حق ندارد از نمودار های جسمی و شرح آن ها گفتگو نماید، و البته ناگفتنی است که راجع به طرق مختلف انجام روابط جنسی صحبت نخواهد کرد، ممکن است لازم بداند کمی راجع به آن صحبت کند، و حتی راجع به ساختمان بدن و طریق روابط جنسی صحبت کند.

مرضیه و جعفر چند ماه بود ازدواج کرده بودند، و در این مدت کوتاه چند مسئله که به میانشان آمده بود را حل کرده بودند. ابتدا وقتی به جلسه مشاوره آمدند، شکایت از مشکل زیادی که در

روابط جنسی شان دارند صحبت کردند، بطوری که زن را با درد و بعضی مواقع خون آلود بجای می گذاشت. با این وجود، طبیب اشکال جسمانی را نمی دید، و مشکل را در اعصاب او شناسائی کرده بود. مشاور مسئله را این گونه تعریف کرد: ”جعفر سعی می کند وارد دری بشود که مرضیه بسته و قفل کرده، و او تنها به زور می تواند وارد آن شود.“ این مسئله به دلیل شک و حسادت بوجود آمده بود. وقتی این دو مسائل حل شدند، مرضیه آرام شد، و روابط جنسی نیز برای اولین بار بدون آسیب جسمانی انجام گرفت. اما، پس از حل این دو مسئله، معلوم شد که مسئله سومی وجود دارد. بخاطر مسائل قبلی، هر دو طرفین با عجله روابط را آغاز کردند، و آن بعداً نیز ادامه یافت. رفتار به گونه ای بود که شامل هیچ نوع عشق بازی و نوازش نبود، و آن برای مرضیه ناخوشایند بود. و در راستای این مسئله، به جای همراهی، مرضیه حالت دفاع از خود را گرفته بود، و این پس از حل دو مسئله قبلی ادامه یافت. به این دلیل مشاور راجع به فرق میان تحریک مرد و تحریک زن وجود دارد صحبت کرد، و اهمیت تحریک دوجانبه را مطابق با اصولی که در اول قرن نهم به آن اشاره شده، فاش نمود. وقتی این اصول را مشاور در رابطه با مسئله بکار برد، لازم دانست در مورد روابط عشقی قبل از روابط جنسی (عشق بازی)، صحبت کند. در این بحث نیز لازم شد صحبت از تحریک عالت جنسی زن و مرد بکند، خصوصاً بخاطر مرضیه که تا کنون ارضای جنسی نداشته بود (۱۰). مرضیه تشویق شده بود که در زمان تحریک عالت جنسی، با حرکات بدنی خود به آن کمک کرده با شوهرش همراهی کند. نتیجتاً، طولی نکشید تا آموزش جزئیات بدن و نحوه عملی، اصول روابط جنسی که بر دگر خواهی استوار است، روابط جنسی و لذت از آن مشروع است، و اصول حقوقی و مسئولیت های طرفین انجام گرفت.

همه گونه صحبت راجع به مسائل جنسی که در جلسات مشاوره صورت می گیرد باید در حضور هر دو طرفین انجام گردد. صحبت های انفرادی ممکن است وسوسه انگیز و/ یا باعث تهمت بشود. اگر در صورت خواصی لازم شود با زن، بدون حضور شوهرش صحبت کرد، لازم است مشاور همکار خود را در جلسه بی آورد (۱۱).

مشاوران مسیحی نباید از صحبت راجع به مسائل جنسی احساس شرم کنند؛ نویسندگان های کتاب مقدس چنین شرمی را بخود راه ندادند. اما با وجود آزادی بیان، روحیه کنجکاوی ناروا را بخود راه ندادند، و یا شنونده را از قصد خدا به مقاصد دیگری هدایت نکردند. مشاوران نیز لازم است طبق آنچه در غلاطیان گفته شده، رعایت شرایط موجود را بکنند.

غلاطیان ۶

اب : در عین حال، به هوش باش که خود نیز در وسوسه نیفتی.

خلق زدن گناه است

بنظر می آید که کلام خدا صحبتی راجع به خلق زدن نکرده. البته، از نظر کاتولیک های رومی، آیه ای در کلام خدا هست که صحبت از خلق زدن می کند، اما در حقیقت اینطور نیست (۱۲). نتیجتاً، اگر اشاره مستقیمی به این موضوع نشده، باید به اصول کلی که به آن ربط دارند رجوع کرد. یک اصل مهمی را در اول قرن نهم ۶: ۱۲ می بینیم:

اول قرن‌تینان ۶

۱۲: «همه چیز بر من جایز است»، اما همه چیز مفید نیست. «همه چیز بر من رواست»، اما نمی گذارم چیزی بر من تسلط یابد.

یعنی حتی آنچه برای شخص مسیحی جایز می باشد را نباید گذاشت عادت زندگی بشود. هر که در هر موردی، با جوانان و نوجوانان مشاوره کرده می داند که اکثراً در دام این عادت گرفتار شده اند. جلق زدن می تواند چنان تسلطی بر نو جوانان بدست آورد که افکارشان را مقشوش سازد. امروزه این مسئله جوانی را دارد که والدین آن ها در زمان جوانی خود نداشتند. امروزه فرزندان سریع تر به بلوغ می رسند تا در گذشته. به این دلیل نیز قریضه جنسی زودتر از گذشته بوجود می آید. بچه ها در حدود سنین ۱۱، ۱۲، یا ۱۳ به بلوغ می رسند. و از طرفی دوره آموزشی آن ها نیز طولانی تر شده. تحصیلات دانشگاه در بعضی از کشور های غربی همپای دوره دبیرستان نسل قبل می باشد. زمانی بود که با تحصیلات دوره ابتدائی می شد زندگی خوبی را داشت، سپس دوره دبیرستان شد، و حال دانشگاه کمتر اشخاصی مانند گذشته ازدواج می کنند؛ و در نتیجه دوران قبل از ازدواج که در آن هوا و شهوت قوی می باشد (و در خصوص مردان شاید بیشتر است) طولانی تر شده، و دشواری ها را شدید تر کرده است. زمانی که این دوره کوتاه می بود بقدر کافی سخت بود، ولی امروز به اوج خود رسیده است.

پولس می گوید که شخص مسیحی نباید بگذارد هیچ چیزی بر او غلبه کند. اما مشاوران معمولاً جوانان (جوانان مسیحی) را می بینند که چنان در مسئله جلق زدن گرفتار شده اند که نمی توانند روزانه به چیزی جز رابطه جنسی فکر کنند. و هر چه بیشتر به جلق زدن ادامه می دهند، بیشتر به آن اتکاء می کنند، بیشتر آن را می خواهند، و بیشتر به آن می پردازند. هر چه بیشتر آن را انجام می دهند، بیشتر وابسته به آن می شوند. جلق زدن مسئله ای جدی است، بیش از آنچه بسیاری تصور می کنند. بچه ها نتیجتاً در خصوص این مسئله محتاج کمکند.

به دلیل گفتگوی کمی که راجع به این موضوع در اجتماع و یا محرمانه صورت گرفته، سهل است که مشاوران مسائل دوران بلوغ خود را فراموش کرده و مسئله را ناچیز بشمارند. اما چون راجع به آن در اجتماع چندان صحبتی نشده، دلیل بر آن نیست که مسئله بزرگی نمی باشد. علاوه بر مسائل درونی که شهوت را ایجاد می کنند، جامعه ما (غرب) از شهوت در اکثر تبلیغات، مجلات، و برنامه های تلویزیون استفاده می کند. همه جا زنان لباس هائی را می پوشند که در این تبلیغات به نمایش گذاشته شده است. مشاوران باید توجه داشته باشند که جوانان مسئله بسیار بزرگی را دارند.

حال به اصل دومی که در متی ۵: ۲۷ و ۲۸ هست بنگریم:

متی ۵

۲۷: «شنیده اید که گفته شده، "زنا مکن".»

۲۸: اما من به شما می گویم، هر که با شهوت به زنی بنگرد، همان دم در دل خود با او زنا کرده است.

در این آیات عیسی مسیح می گوید که تنها عکس العمل ظاهری زنا (جسمانی) نیست که برای خدا اهمیت دارد، بلکه فکر و رضایت دل نیز هست که خدا زنا می نامد. بچه ای که گرفتار گرداب جلق شده در ازدواج نخواهد توانست از این گناه احتراز نماید(۱۳).

در بجه کوچک ممکن است جلق زدن اکتشافی باشد، اما دیری نخواهد کشید که شامل خیالبافی روابط جنسی با یار تصور شده می شود. عیسی مسیح می گوید این گناه است. می گوید زنای دل، مانند تنفر است که قاتل بودن در دل بشمار می آید. در چشم خدا آدم کشی با تفنگ یا چاغو تنها راه مجرم بودن نیست. البته برای کسی که مورد سوء قصد قرار گرفته بهتر است که تنها در خیال انجام گرفته باشد، ولی برای شخص قاتل، برتری موجود نیست. همین واقعیت نیز مربوط به زنا می باشد.

اصل سومی که باید در بحث راجع به جلق زدن در نظر گرفته شود، این است که کلام خدا آن را چاره نشمرده است. در جایی که پولس می نویسد:

اول قرنیتان ۷

۹: اما اگر خویشنداری نمی کنند، همسر اختیار کنند، زیرا ازدواج از سوختن در آتش هوس بهتر است.

چاره کاملاً مشخص است: ازدواج یا خودداری (خویشنداری). چاره سومی وجود ندارد. پولس نکته جلق زدن آزادی از شهوت جنسی است (آتش هوس). او نمی گوید "بهتر است جلق بزنند تا بسوزند. البته آنچه کسانی که جلق می زنند دیر یا زود متوجه آن می شوند را پولس می دانست: جلق زدن آتش را از بین نمی برد، بلکه سوخت لازم را اضافه می کند. به هیچ شکل نمی توان آن را چاره سوختن دانست.

و در نهایت، جلق زدن گناه است چون رابطه جنسی را منحرف می کند. در اول قرنیتان ۷: ۳ تا ۴ مشخص است که ظرفیت جنسی هر شخص مطلق به خودش نیست:

اول قرنیتان ۷

۳: مرد باید وظیفه زناشویی خود را نسبت به زنش به جا آورد و زن نیز باید وظیفه زناشویی خود را نسبت به شوهرش ادا کند.

۴: زن بر بدن خود اختیار ندارد بلکه شوهرش، و مرد نیز بر بدن خود اختیار ندارد بلکه زنش.

خدا غریضه جنسی اشخاص را برای استفاده یار مشروع ایجاد کرد. همانطور که جای دیگر دیده ایم، در رابطه جنسی، دادن بهتر است از دریافت کردن. نتیجتاً، رابطه جنسی که معطوف به خود است، گناه می باشد. حق و حقوق جسم ایماندار به عیسی مسیح و دیگری تعلق دارد، نه به خود. در نتیجه باید بداند که رابطه جنسی (۱) هیچ گاه نباید انفرادی باشد، و (۲) تنها با همسر خود مشروع است.

جلق زدن را می توان کنار گذاشت

مشاور چگونه صریحاً می تواند کمک کند؟ او لازم است حد عقل دو کار را انجام دهد: (۱) رابطه جنسی را از دیدگاه کلام خدا تشریح کند. ممکن است همچنین لازم بشود اعضای بدن را که مورد استفاده قرار می گیرند را تشریح نماید و طریق استفاده صحیحی که خدا می خواهد را روشن سازد. این شرح معمولاً باعث توبه اشخاص شده است. (۲) در این قسمت مشاور باید راجع به مسئله به گونه ویژه صحبت کند و آن را به جانب حل کلام خدا هدایت نماید. توجه داشته باشید که

مشاور تنها صحبت نیست که می کند؛ او باید راه حل عملی را به مرحله اجرا نیز بی آورد. ابتدا باید اطلاعات لازم مربوط به مسئله را دریافت کند (شدت آن، زمانی که بطول انجامیده، جایی که در آن انجام می شود، و غیره) و کمکی که دقیقاً لازم دارد را بدهد. آنچه نیاز دارد ساختاری است که مربوط به مسئله ویژه او است. و همچنین نیاز به قدرت روح القدس خواهد داشت تا آن ساختار را به مرحله اجرا بگذارد. روح القدس خود نیاز به ساختار را نشان داده (در کلام خدا). اوصحبت "از خود بیرون کردن" راه های گذشته و "به خود افزودن" راه جدید را می کند. او اصرار بر "انضباط" می کند. او همچنین صحبت از آموزش (تمرین) در راه خدا می کند. او اصول بنای چنین ساختاری را نیز داده تا زندگیمان را بر حسب آن انجام دهیم. و وقتی ساختار چنین اصولی تبدیل به راه عملی می گردد، در خصوص جوان مورد نظر که می خواهد خواست خدا را در رابطه با مسئله خود انجام دهد، او در راه صحیحی برای شکستن عادت به آن خواهد بود. چیزی که متقاضی نیاز دارد، راه حل عملی است که با شرایط خواص او تطبیق دارد. متقاضیان عموماً با رنج و عذاب به مشاوره روی می آورند. معمولاً نیز بقدری احساس شرم می کنند که می گویند، "خواهش می کنم به من کمک کنید، راهی برایم پیدا کنید". البته کار های بسیاری هست که می توان کرد. بعنوان مثال، مشاور می تواند بپرسد کجا است که معمولاً جلق زدن انجام می شود. در این زمینه بهتر است توضیح بدهد که خواستن این اطلاعات به دلیل کنجکاوی نیست، بلکه از آن استفاده خواهد شد طرح برنامه رسیدگی به مسئله صورت بگیرد. اگر معلوم شد متقاضی قبل از خواب به آن می پردازد، شاید او را تشویق به نوع ورزشی کند که او را کاملاً خسته کرده و بخواب می آورد. اگر بعکس، جلق زدن صبح ها در تخت خواب انجام می گیرد، ممکن است بخواهد ساعت شماطه ای را دور از تخت خواب بگذارد که ناچاراً باید از تخت بیرون آمده تا آن را خاموش کند. سپس، فوراً رختخواب را مرتب کند. تکالیف داده شده نیز باید نیاز متقاضی را به ترک عادت هدایت کنند. در این رابطه مشاور با در نظر گرفتن خصوصیات مسئله می تواند تکالیف را طوری طرح ریزی کند که مناسب او باشد. هر ساختار عملی که داده شده باید همراه دعا باشد. معیار ساختار باید کلام خدا باشد، و معیار دعا نیز روح القدس.

چگونه با همجنس بازان می توان کمک کرد

آن را گناه بشمارید

همجنس بازی برای مشاور مسئله بزرگی است. تازگی مرد جوانی گفت که ده سال است مسیحی است و بخاطر مسئله ای که دارد کمک می خواهد چون دیگر بهانه ای ندارد برای ادامه دادن به آن. این مسئله ای است که با مرور زمان بیشتر خواهد شد، و درخواست کمک نیز بیشتر خواهد شد. مشاوران "مسیحی" نیز باید شاد باشند از آنکه می توانند جواب کافی خدا را با آنها شریک شوند. چون همجنس بازی را گناه می شمارند، می توانند کمک را نیز برسانند (۱۴). خدا این گناه را می بخشد و شخص مبتلی به آن را پاک می سازد:

اول قرنطیان ۶

۱۱: بعضی از شما در گذشته چنین بودید، اما در نام عیسی مسیح خداوند و توسط روح خدای ما شسته شده، تقدیس گشته و پارسا شمرده شده اید.

اما جای تاسف است که بعضی مشاوران حکم واضح کلام خدا را نادیده گرفته و کوشش ناچیزی را در قبال آن می کنند. این را می گویم چون کوشش نام برده معمولاً آموزشی است که خادمین در این راه بدست آورده اند. آن ها محکومیت واضح همجنس بازی کلام خدا را رد می کنند، و راه متعادل که سعی می کند لبه برنده دیدگاه روحانی کلام خدا را که می گوید، همجنس بازی فجور (نجاست) است، را از میان بردارد. نتیجتاً کمک واقعی را به همجنس باز ارائه نمی دهند.

لاویان ۱۸

۲۲: و با ذکر مثل زن جماع مکن، زیرا که این فجور است.

رومیان ۱

۳۲: هر چند از حکم عادلانه خدا آگاهند که مکافات مرتکبان چنین اعمالی مرگ است، نه تنها خود آنها را انجام می دهند، بلکه کسانی را نیز که مرتکب آنها می شوند، تأیید می کنند.

بجای آنکه همجنس بازی را گناه بشمارند، بگونه ای که خدا نام برده (امید در عیسی مسیح هست، چون او بخاطر گناهان مرده و مارا کمک می کند دست از گناه کردن بکشیم)، همجنس بازان را "نیازمند به همجنس بازی" می دانند. اگر کسی ذاتاً چنین نیازی دارد، بخاطر ترکیب ژنتیک یا روابط اجتماعی والدین خود، هیچ گونه مسئولیتی نسبت به آن ندارد، و در نتیجه امیدی برایش نیست (۱۵). نهایتاً با کُند کردن کلام خدا، می خواهند همجنس بازی حرام شمرده نشود (۱۶). ایشان دلیل بعید "تهدید به بقای نژاد" را به خاطر آنکه همجنس بازی حرام شمرده شده نام می برند. در صورتی که پولس در رومیان چنین دلیلی را نمی گوید. بلکه تأیید بر انحراف تمایلات جنسی می کند. همجنس بازی را غیر طبیعی می خواند که اتفاقاً مخالف عقیده مصمم ژنتیک است (۱۷).

رومیان ۱

۲۶: پس خدا نیز ایشان را در شهواتی شرم آور به حال خود وا گذاشت. حتی زنانشان، روابط طبیعی را با روابط غیرطبیعی معاوضه کردند.

۲۷: به همین سان، مردان نیز از روابط طبیعی با زنان دست کشیده، در آتش شهوت نسبت به یکدیگر سوختند. مرد با مرد مرتکب اعمال شرم آور شده، مکافات درخور انحرافشان را در خود یافتند.

این اشخاص طفره می روند، شاید بخاطر نیت خوش و کمک با محبت به همجنس بازان است. اما فکر آنکه خدا نیت و محبتش کمتر از انسان می باشد حکیمانه نیست. هر قدر سعی در این راه بشود، اتفاقاً در نهایت، امید را کمتر می کند. در حقیقت نام ساخته شده "نیاز به همجنس بازی" معرف متقاضی می باشد که تسلط کامل خود را به این محرک داده تا سرنوشتی شامل یاس و ناامیدی و دیگر خصوصیات بدبختی را بجای آورد.

راه دیگری که مسیحیان برای پذیرش همجنس بازی بکار برده اند این است که می گویند، "همجنس بازی کار شیطان است". البته نمی توان رد کرد که شیطان از شیوع آن خرسند است و سعی در ادامه وسوسه به آن می کند، اما او را نمی توان تنها مقصر شناخت به گونه ای که شخص مجرم در آن مسئولیتی ندارد. همجنس بازی گناه است، نه نوعی گرفتاری مطلق به ارواح پلید، دیو ها، یا چیز های دیگر. چنین عقیده ای سعی دارد آنچه کلام خدا گفته را معتدل سازد، و در نتیجه،

امید را از کسانی که این عقیده را قبول کرده اند از میان بر می دارد. هیچ آیه ای از کلام خدا راجع به عمل همجنس بازی اشاره به شیطان زدگی یا دیو زدگی نکرده است. نوع دیگر طفره رفتن از آنچه کلام خدا به طور واضح راجع به همجنس بازی گفته را در نشریه "بازدهی عشق"، The Ret of Love می بینیم^(۱۹). در این مجموع نوشته ها دو مردی که گرایش همجنسی با هم را دارند در مورد این رابطه که به عمل همجنس بازی منتهی می شود صحبت کرده اند. آنها میان همجنس گرایی و همجنس بازی فرق می گذارند و تنها با گناه شمردن عمل همجنس بازی، همجنس گرایی را مشروع می نامند. با چنین استدلالی همه امید به حل این مسئله از میان می رود، چون به این صورت حاضرند در آتش شهوت "بسوزند". مهمل است! در واقع مهمل گناه آلودی است. کلام خدا هر دو میل و عمل همجنس بازی را گناه شمرده است، و فرقی را میان آن دو نگذاشته. پولس گناه همجنس بازی را (بگونه ای که عیسی مسیح زنا را قتل شمرده) شامل هر دو میل ("شهوت"، "هوا") و عمل، شناسائی کرده است:

رومیان ۱

۲۷: به همین سان، مردان نیز از روابط طبیعی با زنان دست کشیده، در آتش شهوت نسبت به یکدیگر سوختند. مرد با مرد مرتکب اعمال شرم آور شده، مکافاتِ درخورِ انحرافشان را در خود یافتند.

در این مقاله نیز صحبت از رسیدگی به این مسئله شده که از نظر مشاور مسیحی نشانه ای از پیشرفت در آن دیده نمی شود. در جایی که نویسنده مقاله می گوید، "گرایش جنسی من تا آخر عمر ادامه خواهد یافت" و به آن اکتفا کرده، بنظر می آید که امیدی باقی نمانده؛ تنها یک اکتفای صبورانه و شومی نسبت به آن است، که به هیچ وجه با کار "شسته شدن" از همجنس بازی خدا قابل مقایسه نیست.

اول قرنیتان ۶ (۲۰)

۱۱: بعضی از شما در گذشته چنین بودید، اما در نام عیسی مسیح خداوند و توسط روح خدای ما شسته شده، تقدیس گشته و پارسا شمرده شده اید.

جای تاسف است که این دو مرد مسئله ای که دارند، و راه حل خدا برای آن را، اشتباه برداشت کرده اند. بگذارید اینجا مستقیماً با این دو صحبت کنم. آقایان، راه بهتری هست؛ شما لازم نیست به عادت همجنس بازی ادامه دهید. اگر جداً خواهان رهائی از این مسئله هستید، می توانید این کار را با فیض خدا انجام رسانید. ما مشاوران مسیحی به بسایری کمک کرده ایم تا از بند همجنس بازی رهائی یابند. خدا راه را نشان داده. شاید، اگر خدا بخواهد، روزی دنباله کتاب خود را با اکتفا به راه خدا خواهید نوشت، و آن را با اول قرنیتان ۶: ۱۱ شروع خواهید کرد.

چگونه می توان کمک کرد

این سؤال برای همه است. گردن کشی بر علیه کلام خدا در همه زمینه ها رواج دارد و مسیحیان جوان نیز با مرور زمان، بیشتر به دام آن گرفتار می شوند. عناصر بسیاری شامل جواب به این سؤال می باشند.

(۱) ابتدا، مشاور مسیحی با تصدیق آنچه همجنس بازی می باشد، امید را ایجاد می کند. باید تصدیق بکند که همجنس بازی زندگی گناه آلودی است - و نه چیزی که مربوط به عوامل ژنتیک یا فشار های اجتماعی دارد (۲۱). کلام خدا با صراحت راجع به این موضوع صحبت کرده است:

لاویان ۱۸

۲۲: و با ذکر مثل زن جماع مکن، زیرا که این فجور است.

لاویان ۲۰

۱۳: و اگر مردی با مرد مثل زن بخوابد هر دو فجور کرده اند. هر دو ایشان البته کشته شوند. خون ایشان بر خود ایشان است.

و در عهد جدید، پولس می گوید چون مردم خدا را رها کردند، خدا نیز آنان را رها کرد. آن کسانی که پشت به خدا و معیار او کردند از خدا سوا شدند، و در نتیجه، در اعمال منحرف و شرم آور گرفتار شدند. و در جایی که صحبت از این اعمال انحرافی و شرم آور می کند، صریحاً از همجنس بازی صحبت می کند. همجنس بازی در آیات اول قرن نهم: ۶: ۹ و پیدایش ۱۹، و اول تیموتائوس ۱: ۱۰ نیز نام برده شده است. در هر یک از آن ها همجنس بازی گناه، و زندگی نا مسئول شمرده شده است. نه وضع غیر قابل انکاری که بخاطر موقعیت ژنتیک یا اوضاع اجتماعی می باشد.

ممکن است بپرسید، ”چرا مردان زن نما معمولاً روی به همجنس بازی می آورند؟ آیا بخاطر وضع ژنتیک آن ها نیست؟“ ممکن است دلیل زن نمایی مردان بخاطر موقعیت ژنتیک باشد، ولی روی آوردن او به همجنس بازی ربطی به آن ندارد. کسی که همجنس باز است به دنبال مرد های زن نما می گردد (۲۲). آن ها هستند که همجنس باز می خواهد اغوا کند. و اینجا است که امید وجود دارد. امیدی در تغییر ژنتیکی نیست. اما خدا در کار رسیدگی به گناه هست (۲۳). (۲) سپس، مشاوران باید به همجنس بازان نشان دهند که عیسی مسیح راه حل را دارد.

اول قرن نهم ۶

۱۱: بعضی از شما در گذشته چنین بودید، اما در نام عیسی مسیح خداوند و توسط روح خدای ما شسته شده، تقدیس گشته و پارسا شمرده شده اید.

او همه را از هر گناهی ”شسته“ و ”تقدیس“ می نماید. ممکن است بشارت در اینجا لازم باشد. اما برای کسی که مسیح را بعنوان منجی پذیرفته و در توبه حقیقی، می خواهد از همجنس بازی دست بشوید و به دنبال زن یا شوهری برای خود باشد، چکار باید کرد؟ ممکن است بگویند که جنس مخالف برایش جذابیتی ندارد.

ابتدا لازم است متقاضی بفهمد که همجنس بازی را مانند هر گناه دیگری می توان با از خود دور کردن گناهان و بخود افزودن راه خدا از میان برد. این تغییر شامل کار های مختلفی است. اول باید همه گونه روابط قبلی خود را با همجنس بازان دیگر قطع کند. ممکن است مشاور از او بخواهد در همان جلسه به یکایک این افراد تلفن زده و روابط را همان جا قطع کند (۲۴). هیچ قدمی مهم تر از این نیست.

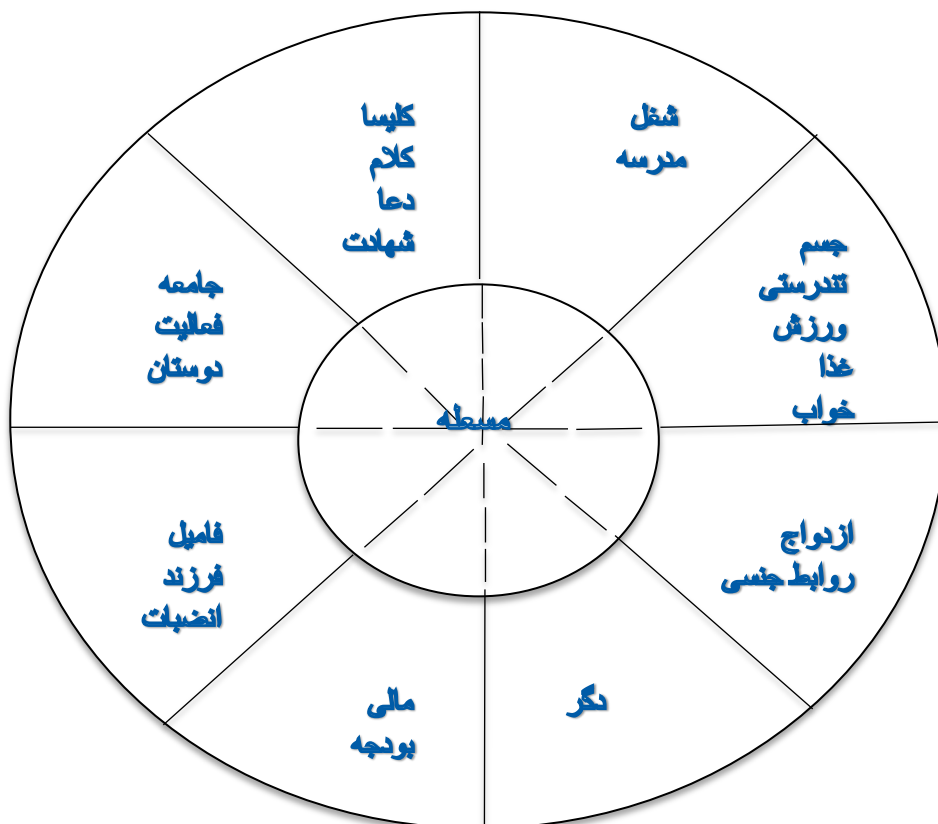
بعد، باید بفهمد که همجنس بازی گناهی است که بر تمام جوانب زندگیش اثر گذاشته است. می توان از همجنس بازی بعنوان یک جنبه از زندگی او شروع کرد (۲۵). این نوع زندگی عنقریب

تبدیل به عادت خواهد شد و همه عقاید و افکار او را جلب خود خواهد کرد. این عادت نیز ممکن است پس از مدتی آنقدر مستقر گردد که بنظر برسد جنبه ژنتیکی را دارد. تبلیغات همجنس بازی، همراه رفتار مخصوصی که دارند، و شکل ظاهری که به خود می گیرند، اعتبار آن را بیشتر می کند. اما برای شخص مسیحی، دلیلی ندارد (بخاطر آیات مربوط به آن) که دیدگاه ژنتیک را بخود راه دهد. تنها کسانی که خارج از ملکوت خداوند زندگی می کنند، معیار و شرایط کلام خدا را نمی توانند قبول کنند. کلام خدا نشان داده که همجنس بازی (مانند دیگر انحرافات جنسی) فرا گرفته شده می باشد.

معمولاً شخصی که همجنس بازی می کند نظر تحریف شده ای از روابط جنسی و روابط اجتماعی دارد. بعنوان مثال، بخاطر آنکه گناهش را محفوظ نگاه دارد، ممکن است زندگی دو گانه ای داشته باشد. نتیجتاً، زندگی ترسناک و تقصیر کاری را می گذراند. قسمتی از زندگی همجنس بازی دروغ گفتن است. هر کسی که زندگی دو گانه ای را دارد دروغ گوی ماهری می گردد. برای جامعه مشکل خواهد بود حرفش را باور کند، چون قسم هائی را می خورد که نمی تواند به آنها وفا کند. ضمناً، این نکته باعث نا امیدی مشاور نیز می شود. ممکن است لازم بشود او را با دروغ گوئی هایش مواجه کرد. این دروغ گفتن ها نیز امکان دارد بخاطر فرار از فشاری که انجام کار خدا برایش دارد صورت گرفته باشند. مشخصات همجنس بازی شباهت بسیاری با دیگر رفتار های فرا گرفته دارد. و در نتیجه، باید همانگونه به آن رسیدگی کرد. اما، چون همجنس بازی مانند زناکاری، مستی، استفاده از مواد مخدر، و غیره، همه تبدیل به گناهی می شوند که نفوذش بر تمام قسمت های زندگی می رسد، نباید همجنس بازی را، تنها مورد برای مشاوره شمرد، بلکه دروغ گفتن و ترس و دوری از جامعه را نیز باید رسیدگی کرد. نتیجتاً، به نکته دیگر می رسیم.

ساختمان کل زندگی

برای مشاوره همجنس بازان، لازم است متقاضی سر سپردگی خود را به ساختمان کل زندگیش اعلام کند. معمولاً وقتی مسئله متقاضی یک گناه ظاهراً مشخص و معلومی چون همجنس بازی است، او اشتباهاً فکر می کند که تنها یک مسئله را دارد که نیاز به حل کردن دارد. حتی ممکن است حوصله اش از مشاوره که سعی بر تفحص قسمت های دیگر زندگیش دارد بسر رسد. اما در این خصوص، مسئله اش قطعاً تاثیر بر قسمت های دیگر زندگیش گذاشته است. یقیناً اثر خود را در زندگی اجتماعی او، زندگی زناشویی، شغل، جسم، وضع مالی، و غیره گذاشته است. هر یک از این قسمت ها را باید تفحص کرده تخریب کرد، و دوباره طبق کلام خدا ساخت. نمودار فوق ممکن است به درک آن کمک کند.



ساختمان کل زندگی شامل قسمت هائی می باشد که لازم به تفحص است (شغل، کلیسا، جسم، و غیره). مسئله به تمام قسمت ها اثر می گذارد، و زمانی که رابطه هر قسمت با مسئله قطع شد و با خدا مرتبط شد، خط چین داخل دایره با هم وصل شده خط پر خواهد شد. نمودار بالا کامل نیست و تنها برای اشاره مطالب ساخته شده است.

اگر تمرکز مشاوره تنها بر همجنس بازی باشد، شکست خواهد خورد. ناسلامتی یا کمبود خواب (تنها یک قسمت را در نظر گرفتن) می تواند مقاومت متقاضی را در مقابل وسوسه کم کند و او را در جهت راه های گذشته سوغ دهد. حتی صدمات مقعد وابسته به همجنس بازی می تواند باعث شکست بشود. ممکن است مراجعه به طبیب لازم باشد. ناتوانی انجام صحیح کار، نگرانی بخاطر بیکیفایتی در امور مالی، ضعف روابط خانوادگی و اجتماعی، و کمبود دعا و مطالعه کلام خدا، هر یک می توانند متقاضی را به راه های گذشته سوغ دهند. اگر هر یک از این قسمت های زندگیش مطابق معیار خدا نگردد، او به جانب گذشته نزول خواهد کرد. نتیجتاً لازم است متقاضی اهمیت رسیدگی به یکایک این قسمت ها (ساختمان کل زندگی) را درک کند و تشویق شود روی هر یک با قدرت از روح القدس کار کند.

ابتدا مشاور باید در مورد هر یک از قسمت ها اطلاعات لازم را بدست آورد؛ سپس باید به متقاضی کمک کند آن قسمت را به طریق خدا تجدید سازمان دهد (۲۶). این کار ممکن است شامل ایجاد روابط سالم با والدین، تنظیم برنامه روزانه او تا بتواند بقدر کافی بخوابد، و غیره باشد.

کوششی که در راه زندگی سالم بعمل می آید، نهایتاً باعث باز شدن تنها راه نجات از هوا و هوس جنسی خواهد شد: ”ازدواج از سوختن بهتر است“.

اول قرن‌تین ۷

۹: اما اگر خویشنداری نمی کنند، همسر اختیار کنند، زیرا ازدواج از سوختن در آتش هوس بهتر است.

ازدواج راه حلی است که خدا برای فساد معرفی کرده است.

اول قرن‌تین ۷

۲: اما به سبب بی‌عفتیهای موجود، هر مردی باید با زن خود، و هر زنی باید با شوهر خود رابطه زناشویی داشته باشد.

راه گناه آلود گذشته باید شکسته شده و با راه جدید خدا جایگزین گردد. و ازدواج های شاد موفق با پیگرد خدا گانه جنس مخالف صورت خواهد گرفت (۲۷).
در نتیجه امید برای همجنس باز وجود دارد. این امید، به این وسیله است:

۱. مسیح را خدا و منجی خود شناختن

۲. قبول کردن، اقرار، و توبه نسبت به گناه همجنس بازی که به بخشش سرانجام می شود.
۳. میوه مناسب توبه:

الف: ترک عمل همجنس بازی و یاران آن (اول قرن‌تین ۱۵: ۳۳)

ب: تهیه برنامه روزانه جدید.

پ: بازسازی جدید کل زندگی (تمام قسمت های لازم) مطابق با کلام خدا.

ت: اهمیت و توجه کمتر به تجربیات جنسی (۲۸).

۴. در صورتی که خدا عطیه صمت مجرد بودن را نداده، جویای آموختن و بجای آوردن زندگی که شامل عشق است، به طریق دادن خود به همسر در ازدواج.

فهرست زیر نویس های فصل سی و پنجم

- (۱) مشاوران مسیحی به این حقیقت پی خواهند برد، خلاف نظریه "پان سکسیولیزم" فروید Freud.
- (۲) ترس از حاملگی؛ ترس از آنکه طرف مقابل ممکن است به طفل (اگر به دنیا بیاید) آسیب رساند، بگونه ای که خود (مرد یا زن) آسیب دیده است.
- (۳) رابطه عصبی، تنفر و انزجار، و یا حتی انتقام ممکن است از آن بوجود آید.
- (۴) خستگی معمولاً لزوم تغییر برنامه و زمان بندی آن دارد.
- (۵) فصل ۳۱.
- (۶) لازم نیست زنان از پیشقدم شدن برای رابطه جنسی خجالت بکشند. پولس می گوید هر یک از طرفین نیاز دارند، و از هر یک خواسته شده نیاز دیگری را بر آورده سازد. البته هر دو طرفین لازم است از طریق بر آورد آن، در صورت لازم، صحبت کنند.
- (۷) این راهنما را می توانید در قسمت تکالیف پیدا کنید.
- (۸) از "یادآور" های خدا می توان اعداد ۱۵: ۳۷-۴۱ را نام برد. مردم متعلق به او لازم بود رشته های لاجوردی بر هر گوشه لباسشان بعنوان یاد آوری بدوزند. یک متقاضی برای یادآوری بر روی درب منزلش نوشته بود "زباله را بیرون ببرید". نوار چسب کاغذی و طرق مختلف استفاده از آن را به متقاضی نشان دهید. هیچ موردی را تنها تکیه به فرض بر آن که انجام خواهد شد نگذارید.
- (۹) باید به متقاضی گفت، "البته حقیقت تلخ است، اما هیچ وقت به قدر دروغ گفتن دردناک نیست. گناه همیشه درد و رنج را تولید می کند. اما توبه انسان را به جانب صلح و آرامش می آورد. وقتی حقیقت را می گوئید، درد آن زود فرا می رسد، اما به دنبال آن شفا نیز جاری می گردد. اگر گفتن حقیقت را به بعد بیاندازید، رنج شما نیز تا بعد ادامه خواهد یافت و لزوم گفتن آن در مد نظر شما خواهد ماند. زمانی که شخصی حقیقت را از قصد نادیده می گیرد، رنج و عذاب آن معمولاً با مرور زمان از میان نمی رود.
- (۱۰) بسیاری از زنان گفته اند که مطمئن نیستند که ارضای جنسی داشته اند یا نداشته اند. وقتی این حرف را میزنند، مشاور می تواند مطمئن باشد که نداشته اند. مقطع نهایت ارضای جنسی Orgasm، را می توان با سهولت شناسائی کرد. اگر زن به گونه صحیح در طول روز خود را آماده رابطه جنسی کند، امکان بیشتری دارد که به این مقطع برسد. اگر طریق جلب شوهرش را بخاطر بسپارد، چگونه میل او را تحریک خواهد کرد، در عشق بازی یاری کند، و بطور کل در فکر او باشد (چگونه می تواند مورد مسرت او واقع شود)، امکان بیشتری را برای خود فراهم می سازد تا به مقطع ارضای جنسی برسد. هیچ چیزی بیشتر از آنکه زن بداند مورد مسرت شوهرش قرار گرفته، کمک به رسیدن ارزای جنسی نمی کند.
- (۱۱) در این صورت می توان از مشایخ کلیسا، یا خادمین دیگر، و حتی از زن مشاور (در صورتی که شخص دیگری پیدا نشود) می توان بعنوان دیده بان حضور یابند. مشاور مسیحی باید در چنین شرایط نقش متصدی را حفظ کرده نگذارد دیده بانان به هیچ دلیل صحبت کنند.
- (۱۲) پیدایش ۳۸: ۹. گناهی که در این آیه نام برده شده جلق زدن نیست، بلکه ناحقی اوانان در نیآوردن فرزندان بوسیله برادر زنش (به حسب قوانین ازدواج لایوان) است. همچنین به تثنیه ۲۵: ۵ و ۶ رجوع نمائید.

(۱۳) انگار گرایان (ایده آلیست) ادعا دارند که این دو با هم فرق دارند؛ مشاوران مسیحی اینطور فکر نمی کنند. دل گناه کار ممکن است بخواهد این را توجیه نماید.

(۱۴) موفقیت عالی توسط مشاوران ما در زمینه ترک گناه همجنس بازی بدست آمده است.

(۱۵) شخصی برای ما نوشته بود همجنس بازی او "باز گشت ناپذیر" است، و در ادامه سعی کرد گناهِش را با این حرف مشروع بسازد، "عشق همجنس باز، اگر در اصول واقعی مسیحیت انجام شود، نوع معتبر عشق شهوانی است".

(۱۶) برای بحث بیشتر راجع به همجنس بازی به کتابچه "چتر بزرگ"، صفحات ۲۱۹-۲۲۱ مراجعه کنید. (این کتابچه تا کنون به زبان فارسی ترجمه نشده است)

همجنس بازی ممکن است به طرق مختلف بوجود آید، اما همه رفتاری آموخته (گناه) می باشند. در زندان ها، خواب گاه های ارتشی، که زنان اجازه ورود به آن را ندارند، گناه همجنس بازی فراوان است. طبق زنی (رابطه جنسی زن با زن) میان زنانی که نتوانسته اند شوهری برای خود انتخاب کنند نیز رواج دارد.

(۱۷) این عقیده غلط و خلاف کلام خدا است. خدا بطور واضح صحبت از گناه و "انحراف" (رعمیان ۱: ۲۷)، فجور (لاویان ۱۸: ۲۲)، و غیره، می کند. و بعضی اشخاص همجنس بازی را ژنتیک نمی شمارند، اما آن را گناه نیز نمی شمارند. این مسئولیت را نادیده می گیرند و در نتیجه امید را نیز کم می کند.

(۱۸) محرک های همجنس گرایی نتیجه نیازهای ذاتی نیست؛ آنها محرک های درجه دو میباشند و محرکی آموخته که از عادت به انحراف جنسی بوجود می آید تشکیل شده اند. صحبت از "نیاز به همجنس بازی" گمراه کننده است، همان قدر که "نیاز" به زنا کاری یا "نیاز" به مستی گمراه کننده می باشند. تصور (یا عقیده) به آنکه همجنس بازی طبیعی است و چون بسیاری به آن روی آورده اند باید آن را قبول کرد، رواج زیادی را دارد.

(۱۹) Alex Davidson (London: The Intervarsity Press, 1970). لقب داده شده به این مقاله بسیار اهانت انگیز است. همجنس بازی با تاکید منحرفی که بر لذت خود می کند، کاملاً با عقیده کلام خدا مبنی بر "دادن از گرفتن فرخنده تر است" (اعمال ۲۰: ۳۵) مخالف می باشد.

(۲۰) پولس در این آیه زمان گذشته را بکار می برد: "بعضی از شما در گذشته چنین بودید". در این آیه امید زیادی وجود دارد.

(۲۱) رومیان ۱

۲۶: پس خدا نیز ایشان را در شهواتی شرم آور به حال خود وا گذاشت. حتی زنانشان، روابط طبیعی را با روابط غیرطبیعی معاوضه کردند.

۲۷: به همین سان، مردان نیز از روابط طبیعی با زنان دست کشیده، در آتش شهوت نسبت به یکدیگر سوختند. مرد با مرد مرتکب اعمال شرم آور شده، مکافات درخور انحرافشان را در خود یافتند.

۲۸: و همان گونه که برای آنان شناخت خدا ارزشی نداشت، خدا نیز آنان را به ذهنی فرومایه وا گذاشت تا مرتکب اعمال ناشایست شوند.

۳۲: هر چند از حکم عادلانه خدا آگاهند که مکافات مرتکبان چنین اعمالی مرگ است، نه تنها خود آنها را انجام می دهند، بلکه کسانی را نیز که مرتکب آنها می شوند، تأیید می کنند.

در آیه ۲۶ پولس صحبت از ”شهوای شرم آور“ می کند، و در آیه ۲۷ ”اعمال شرم آور“ و ”انحراف“ را بکار می برد، و در آیه ۲۸ همجنس بازان را ”به ذهنی فرومایه“ تشخیص می دهد، و در آیه ۳۲ می گوید ”مکافات مرتکبان چنین اعمالی مرگ است“. انسان حُکماً (قانوناً) همجنس باز نیست، همان گونه که زناکار نیز چنین نیست. همجنس باز حالت یا وضعیت کسی نیست، بلکه عمل او است. عمل گناه آلودی است که می تواند تبدیل به راه زندگی شود. عمل همجنس بازی، مانند عمل زنا، دلیلی است که شخصی را همجنس باز می نامیم (البته ناگفته نماند که شخصی می تواند در دل گناه همجنس بازی را بکند، همان گونه که می تواند در دل خود زنا کند. او ممکن است مانند مردی که هوس زنی را می کند، هوس به مرد را بکند). اما دقیقاً بخاطر آنکه همجنس بازی، مانند زنا کاری، رفتاری است فرا گرفته (آموخته)، بطور اشخاصی که طبیعت شان گناه آلود است تمایل به انحراف دارند، همجنس بازی می تواند در مسیح بخشوده شود، و رفتار ها می توانند ترک شده جایشان را روح القدس با رفتار های سالم پر کند. بعضی از همجنس بازان امیدشان را بخاطر آنکه مشاور سعی کرده آن را گناه نشمارد، از دست داده اند.

(۲۲) خلاف تعریفی که از همجنس بازی شده، انتخاب شریکی که شباحت به جنس مخالف دارد نشان می دهد که گرایش به رابطه جنسی با جنس مخالف موجود است. مردی که علاقمند به مرد زن نما می باشد، نیاز و هوای زن را نشان می دهد تا مرد.

(۲۳) عقیده آنکه همجنس بازی ریشه ژنتیک دارد عموماً در میان همجنس بازان رواج دارد. نظرشان این است که تا پایان عمرشان همجنس باز خواهند ماند. چنین عقایدی جای امید را باز نمی گذارد. همجنس بازی که مسیحی بود، گفت که تصمیم گرفته وضع خود را قبول کند و سعی کند مابقی قسمت های زندگی خود را مطابق با خواست خدا نماید. آنچه خدا ”فجور“ نامیده هیچ وقت مقبول او نخواهد بود، اما امید در عیسی مسیح هست چون این اشخاص را نجات داده و تغییر می دهد.

(۲۴) اتفاقاً، در جلسات مشاوره می توان از تلفن برای قطع روابطی که به هر دلیل، لازم شناخته شده استفاده کرد. برای این منظور داشتن تلفن در دفتر مشاوره ضروری است.

(۲۵) در بعضی از مواقع، همجنس بازی از روابط جنسی نا مشروع با جنس مخالف انشعاب یافته. در چنین مجامعی ممکن است همجنس بازانی باشند که دنبال شریک خود می گردند.

(۲۶) در این رابطه می توانید به فصل بیست و پنجم، ”طرق مختلف دریافت اطلاعات“ مراجعه کنید.

(۲۷) قبل از ازدواج، همجنس باز قدیمی باید به همسر آینده اش راجع به گذشته خود صحبت کند و خبر پاک شدنش را بوسیله عیسی مسیح بدهد. چون ممکن است در آینده، همسرش با این حقیقت آشنا شود و ایجاد درد و رنج در زندگی زناشویی کند. علاوه بر این، لازم است در مورد امکان ترسی که بخاطر ناتوانی در روابط جنسی و ارزی همسرش ایجاد شده گفت و گو کند. همسر با فهم و درک خود می تواند کمک بزرگی برای تغییر راه او باشد. همچنین لازم است جهت کاملاً تازه ای برای روابط جنسی ایجاد شود که شامل انکار ارزی شخصی خود، و جایگزین کردن آن با ارزی جنسی همسر می باشد. این جهت تازه بوسیله مطالعه اول قرنیتان ۷: ۳ - ۵ که نشان می دهد تمایلات جنسی برای خود او نیست، بلکه برای همسرش می باشد، صورت خواهد گرفت. زندگی که شامل شهوت بوده باید با زندگی که شامل عشق و محبت است تعویض گردد. او باید بیاموزد بجای دریافت ارزی جنسی، آن را به همسرش بدهد. اگر در این راه با حمایت روح القدس کوشش کند، متوجه خواهد شد که ”... دادن از گرفتن فرخنده تر است.“ (اعمال ۲۰: ۳۵)

(۲۸) برای بسیاری از همجنس بازان، تمایلات جنسی هدف زندگیشان را تشکیل داده است. بگونه ای که به زندگیشان تسلط یافته، مخالف حکم ”اما نمی گذارم چیزی بر من تسلط یابد“ (اول قرننثیان ۶: ۱۲) می باشد. بعضی از مشاوران راه حل همجنس بازی را در جلب، بدست آوردن، و اغوای جنس مخالف می دانند. این راه، علاوه بر گناه زن بازی، تمرکزی که بر رابطه جنسی بوده را از میان نمی برد.